

# آیا مشارکت سیاسی زنان ضمانتے برای دستیابی به برابری حقوقے است؟

گفت و گو با سیما سمر ریاست کمیسیون حقوق بشر افغانستان





# صبح مجلس و شوراها

[شفافیت، پاسخگویی و انتخابات آزاد]

آيا مشاركت سياسه زنان  
ضمانته براي دستياب به  
برابري حقوقه است؟

گفت وگو با سيما سمر  
رياست كميسيون حقوق بشر افغانستان

نويسنده: منصوره شجاعه

# آیا مشارکت سیاسی زنان ضمانتی برای دستیابی به برابری حقوقی است؟

روزی که کمپین تغییر چهره مردانه مجلس در ایران اعلام موجودیت کرد، پنجم آبان ماه ۱۳۹۴ بود. یعنی چهار ماه پیش از آغاز مرحله اول و شش ماه پیش از مرحله دوم انتخابات مجلس دهم. در آن چهار ماه و در دو ماه پس از آن، پدیداری عاملیت افراد نسبت به نحوه اجرای سیاست‌های کلان، نمایشی دیگرگون از تداوم حضور جامعه مدنی ایران بود. این عاملیت در میان زنان جامعه بیش از باقی گروه‌های اجتماعی به چشم آمد. بی تردید نقش کمپین تغییر چهره مردانه مجلس را نمی‌توان در این مورد نادیده گرفت.



از دیگر تأثیرات کمپین جاری شدن گفتمان مشارکت سیاسی زنان در میان لایه‌های گوناگون جامعه بود. واکنش‌های گسترده و همه‌طیفی نسبت به لغو اعتبار نامه مینو خالقی نماینده اصفهان، و نیز حمایت شبکه‌های اجتماعی از پروانه سلحشوری نماینده تهران در دفاع از حق او برای مصاحبه با رسانه‌های غربی، شاهدی بر این مدعاست. با این همه، عدد زنان خواهان برابری که با حمایت مردمی از هفت خوان شورای نگهبان گذشتند، عدد مفروض کمپین نبود. امید آن است که تلاش گروه زنان ۱۷+۱ مجلس دهم، این عدد را تا چهار سال دیگر به بیشتر از عدد مورد مطالبه کمپین برسانند.

اما علامت سوالی که در ذهن مخالفان و حتی موافقان کمپین هنوز و همچنان باقی است، ظاهراً نشانه‌ای مشترک میان اعضای جنبش زنان ایران و جنبش زنان در کشورهای دیگر با ساختار غیردموکراتیک است. علامتی که دوره به دوره و دست به دست می‌چرخد. سوال این است: «آیا صرف مشارکت سیاسی زنان در حوزه‌های زمامداری و در رده‌های بالای مدیریت سیاسی کشور اهرم فشار برای پیشبرد گفتمان برابری خواهی است یا بازوی کمک برای اجرای سیاست‌های زن‌ستیزانه دولت؟» این پرسش در هر دوره از انتخابات به طور مکرر مطرح می‌شود. پاسخ‌های «بنا به موقعیت» و نیز «دوراندیشانه» به این پرسش، هر بار مورد تحلیل و بررسی صاحب نظران جنبش زنان قرار گرفته و همچون کوله باری از تجارب پیشینیان بر شانه‌های زنان راه به آینده می‌برد.

در طی این راه و برای یافتن پاسخی درخور، به زنانی از کشورهای دیگر منطقه برمی‌خوریم و سرانجام در شهر «سنت پورت نورد» در حاشیه کنفرانس زنان برنده جایزه نوبل، در کنار «سیما سمر»، پزشک، وزیر سابق امور زنان و رییس فعلی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به «گپی مقبول» می‌نشینیم.

زندگی اکتیویستی سیما سمر با تلاش‌های او در حوزه بهداشت و تعلیم و تربیت برای کودکان افغان اعم از ساکنان و مهاجران آغاز شده است:

«از سال ۱۹۸۹، من مطب داشتم و خودم یک شفاخانه داشتم. وقتی مدیران جی او بودم ۱۲ کلینیک ساختیم، ۳ شفاخانه و ۱۵ مکتب. الان بچه‌های آن مکتب خانه دانشجوی لیسانس و فوق لیسانس هستند. و آن جی او هنوز هم هست با یک بورد دیگر.»

او در دوران طالبان با مشاهده ستم مضاعف زنان، فعالیت‌های خود را در حوزه زنان و دختران متمرکز کرد. و اراده مند و استوار بر راه پر سنگلاخ ایجاد تسهیلات برای آموزش دختران گام نهاد: «تنها مکتب دخترانه «های اسکول» در زمان طالبان مال من بود. برای این که می‌خواستم همه به حقوق زنان هم احترام بگذارند و هم اعتراف کنند به این حقوق، درحالی‌که ما الان در یک فضای انکار هستیم.»

تلاش‌های او برای آموزش دختران افغان چنان مبارزه برای بقای حیات اجتماعی زنان در دوران طالب‌ها از چشم دوستداران برابری خواهی مخفی نمانده بود.

«بعد از سقوط طالبان بدون مشورت با من و بدون اطلاع خودم من را انتخاب کردند برای معاونت ریاست جمهور و وزیر در وزارتخانه امور زنان. اما فقط شش ماه بود. ما چیزی نداشتیم ما اصلاً ساختار وزارتی را نمی‌دانستیم. هیچ چیز نبود. من در شش

ماهی که آنجا بودم، بودجه گرفتم تمام وزرات را ساختم. ساختمانی نداشت. حتی یک صندلی نبود. همراه این ساخت و ساز لایحه هم نوشتیم که تمام خانم‌هایی که پیش از طالبان شغل داشتند، معلم بودند، کارمند بودند و دوران شش ساله طالبان شغل شان را از دست داده بودند، اولاً به کار برگشتند دوماً تمام آن سال‌های طالبان جزو خدمت‌شان محسوب شد و ترفیع هم گرفتند. و این کار را وزارت زنان کرد. کارهای آسانی نبود وقتی که هیچ ساختاری نبود. مدت خیلی کوتاه بود. فقط شش ماه من را نگه داشتند و بعد گفتند سیما سمر نباشد. چون من از پاسخگویی و از عدالت اجتماعی حرف زدم. از آوردن عدالت و پاسخ‌گویی کسانی که جنایات جنگی مرتکب شده بودند گفتم. از پاسخگویی کسانی که در سابق ضد حقوق بشر بودند گفتم. برای همین من را کنار گذاشتند.»

### از او از نوع مخالفت‌ها و همین طور ساز و کار مخالفت خوانی‌ها می‌پرسم.

«آنها همه جا پخش کرده بودند که او مسلمان خوبی نیست. همه جا نوشته کرده بودند که سیما سمر، سلمان رشدی افغانستان است. دلشان می‌خواست من را کشته کنند یا کاری کنند که من از افغانستان بروم و در دولت هم می‌خواستند که ارزش این پست را تقلیل بدهند و بی اهمیت کنند. حتی ریاست جمهور به من گفت برو به هر کشوری که می‌خواهی و سفیر آنجا باش. می‌گفت تو سالم بمان برای آینده افغانستان لازم است. اما من به گفته‌ها و هم به کارهای خودم ادامه دادم و هم از افغانستان خارج نشدم. چون ما هرفضایی را خالی کنیم اینها اشغال می‌کنند و ما باید مقاومت کنیم.»

### از او می‌پرسم که آیا این کنار گذاشتن یا استعفاى اجباری او ناگهانی و بی‌خبر بود یا طی پروسه هشدار و تهدید از سوی زن ستیزان افراطی اتفاق افتاد؟

«مدتها بود که همه جا می‌گفتند او یک مسلمان خوب نیست. باید جواب بدهد. همان موقع من برای معاونت لویی جرگه هم کاندید شدم. ۲۸ نفر کاندید بودند و من بالاترین رای را آوردم. با اینکه جامعه افغانستان محافظه کار بود رای بالایی آوردم. قرار بود که ریاست لویی جرگه را داشته باشم. بعد از طرف مخالفان کمپینی برعلیه من راه افتاد. در روزنامه‌ها و درمانیفست کمپین می‌نوشتند «سیما سمر، سلمان رشدی افغانستان»، چون من تنها زن در دولت و پارلمان بودم مخالفان سعی می‌کردند نگذارند که من حرف بزنم. بعد ریاست جمهور گفت حالا که در کابینه این همه مخالف داری نباید در پوزیشنی که هستی ادامه بدی. برو کمیسیون حقوق بشر را درست کن.»

پیشنهاد ریاست کمیسیون حقوق بشر در آن زمان را می‌توان در برخوردی شتابزده و سرسری همچون «سوپایی» برای فرونشاندن جوش و خروش سیما سمر تعریف کرد. اما این واژه پیش پا افتاده و مکانیکی که در هر دوره از انتخابات از سوی تحریم‌کنندگان برای نامگذاری ساز و کار پیچیده انتخابات به کار می‌رود، پس پشت این پیشنهاد را

مشخص نمی‌کند. در این باره از او می‌پرسم:

«البته نه اینکه فقط رییس جمهور گفته باشد، نه، خب از وقتی وزیر بودم قرار بود که کمیسیون حقوق بشر را درست کنیم. من قبلا هم برنامه داشتم. یعنی این موضوع اصلا در قانون اساسی آمده که ایجاد نهاد مستقل حقوق بشر به عنوان یک نهاد ملی برای نظارت و انکشاف رعایت حقوق بشر. این در افغانستان به عنوان یک نهاد ملی است و من می‌خواستم در افغانستان مانده شوم و کار حقوق بشری بکنم.»

هرچند کناره گیری از پست وزارت زنان، انتخاب آزادانه سیما نبوده اما جوهره اکتیویستی او در گرفتن این تصمیم موثر بوده است. از او می‌پرسم به نظر خودش در کدام پست و در کدام نهاد تاثیرگذارتر کار کرده است؟

«البته در کمیسیون حقوق بشر به دلیل اینکه با تمام مردم در تماس هستیم. اما در وزارت زنان فقط کارهای زنانه بود عملا هیچ‌کدام از وزارت خانه‌های دیگر کاری برای زنان نمی‌کردند همه می‌گفتند خب وزارت زنان داریم. الان هم وزرات امور زنان داریم اما باز هم کاری نمی‌کند فقط در سیاست سازی کار می‌کند. در توانمند سازی پروژه نداره. من در کمیسیون مستقل حقوق بشر بیشتر کار می‌کنم. در کار تعلیم و تربیت در یاد دادن حقوق بشر در تربیت پلیس حقوق بشری، تربیت قاضی و...»

بر اساس توضیحات سیما سمر، کمیسیون مستقل حقوق بشر از نهادهای موازی در مدیریت سیاسی کشور است که از سوی اعضای فعال و شناخته شده جامعه مدنی اداره می‌شود. در واقع مشروعیت چنین سازمانی برگرفته از مفاد قانون اساسی افغانستان درباره نهادهایی از این دست است. از او درباره اختیارات و نقش کمیسیون مستقل حقوق بشر، در نظارت بر تدوین و اجرای قوانین سوال می‌کنم.

«ما در تمام قوانین افغانستان صلاحیت بررسی داریم و صلاحیت مطابقت قوانین را داریم با کنوانسیون‌هایی که افغانستان امضا کرده. هشت کنوانسیون جهانی را افغانستان امضا کرده از جمله کنوانسیون رفع تبعیض بر زنان، سی‌دا، بدون حق شرط، کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون منع شکنجه.»

از تفاوت قانون اساسی و قانون مدنی افغانستان با کنوانسیون‌های امضا شده توسط دولت، قوانین نابرابر و راهکارهای کمیسیون حقوق بشر در برخورد با نابرابری می‌پرسم و در آخر هم از موضع گیری کمیسیون در ماجرای قتل «فرخنده ملک زاده» می‌پرسم.

«در قانون اساسی برابری زن و مرد هست اما یک شرط همیشه هست که برخلاف شرع اسلام نباشد و به این دلیل این شرط در قانون مدنی ایجاد اشکال کرده. بنابراین ما هم مشکلات تقسیم نابرابر ارث و پلی گامی را داریم. اما ما مثلا برای قانون چهار همسری که طبق قانون شرع است در کمیسیون یک راه حل پیدا کردیم ما



یک کمیته منع خشونت بر زنان داریم که این کمیته می‌تواند بر اجرای قانون چهار همسری مردان نظارت کند تا ازدواج دوم حتماً با اجازه همسر اول باشد. یعنی از طریق کمیسیون حقوق بشر ما نظارت بر قوانین تبعیض آمیز داریم و تازه ما قانون منع خشونت هم داریم که کمیسیون می‌تواند بر اجرای آن هم نظارت کند و از این طریق قانون چهار همسری را تا حدودی کنترل کند. یا مثلاً در مورد مشخص قتل فرخنده ما بیانیه دادیم که هیچکس حق اجرای خودسرانه قانون را ندارد و همه افراد درگیر باید جزای خود را ببینند پلیس که آنجا بوده باید جزا ببیند، ملا هم باید جزا ببیند. او می‌توانست ملا باشد یا نباشد. جلسه ای هم با وزیر داخله داشتیم او گفت جهالت مردم بیسواد باعث قتل فرخنده شد. اما من گفتم این کافی نیست، ما بیشتر می‌خواهیم ما خواهان تحقیق جدی حقیقت شدیم و نخواستیم که کار با یک توضیح تمام شود.»

گپ ما در مجموعه ای از مقایسه و مشاهده و مشابه بالاخره این سوال را پیش می‌آورد که در رهیافت زنان افغانستان به مشارکت سیاسی، نسبت حفظ موقعیت شغلی به پیشبرد گفتمان برابری خواهی در داخل حکومت چگونه سنجیده می‌شود. برای او شخصاً تعهد اکتیویستی و برابری خواهی مقدم بر حفظ پست بوده است، اما این نوع از رهیافت را توصیه‌ای عام نمی‌دانند.

سازمان غیر دولتی و ناسودبر «عرصه سوم» در سال ۱۳۸۹ / ۲۰۱۰ در آمستردام (هلند) بنیان نهاده شد و به ثبت رسید. این سازمان به کوشش گروهی از کنش‌گران مدنی و شخصیت‌های علمی ایرانی و غیر ایرانی در هلند با اهداف زیر شکل گرفته است:

- ترویج و گسترش اندیشه‌های مدنی، صلح‌آمیز، دموکراسی و حقوق بشر
- ظرفیت‌سازی سازمان‌ها، کنشگران جامعه مدنی و مدافعان حقوق بشر
- ترویج و گسترش اخلاق مدنی و فرهنگ کارهای داوطلبانه
- آسان‌سازی دسترسی، گردش و مبادله آزاد اطلاعات
- و ایجاد فضایی مناسب برای تبادل نظر، گفت‌وگو بین کنش‌گران جامعه مدنی و دیگر گروه‌های اجتماعی

از دیدگاه پایه‌گذاران «عرصه سوم»، جامعه مدنی کانون مقاومت، تهدید قدرت سیاسی و عرصه قدرت‌یابی شهروندان است. جامعه مدنی مرکز بروز خلاقیت‌ها، ابتکارات تازه اجتماعی و مدرسه آموزش و تمرین دموکراسی، تساهل، مدارا، شهامت و اخلاق مدنی است. جامعه مدنی همچنین کانون تولید، انباشت سرمایه اجتماعی و عرصه آزادی، رهایی و برابری است.



[www.darsahn.org](http://www.darsahn.org)



[ Minahassastraat 1  
1092 RS, Amsterdam  
The Netherlands ]

[ [www.arsehsevom.net](http://www.arsehsevom.net)  
[contact@arsehsevom.net](mailto:contact@arsehsevom.net)  
[press@arsehsevom.net](mailto:press@arsehsevom.net) ]